

کارگاه نوشتن

۱- پرسش‌های زیر را بخوانید و مشخص کنید از چه شگردی (بارش فکری، اگرنویسی، گزین گفته‌ها و...) برای طرح آنها استفاده شده است؟

- پشه، چه نوع جانوری است؟
- چند نوع پشه داریم؟
- پشه‌ها شب‌ها کجا می‌خوابند؟
- چرا پشه روی بدن ما می‌نشیند؟
- پشه‌های معروف کدام‌اند؟
- آیا مگس هم یک نوع پشه است؟

پاسخ بارش فکری

- اگر پشه وز وز نمی‌کرد، چه می‌شد؟
- آیا پشه‌ای می‌شناسیم که اصلاً دیده نمی‌شود؟
- اگر یک پشه را قورت بدهیم، چه اتفاقی می‌افتد؟
- اگر در دنیا اصلاً پشه‌ای نبود، چه اتفاقی می‌افتاد؟

پاسخ اگرنویسی

- خداوند با خلق پشه، می‌خواهد چه پیامی به ما بدهد؟
- چگونه پشه‌ای ناتوان، تمرود را با آن همه ادعا از پای درآورد؟
- چه نسبتی بین عقاب و پشه وجود دارد؛ آنجا که شاعر گفته است:
جایی که عقاب، پر بریزد
از پشه لاغری چه خیزد؟

پاسخ گزین گفته‌ها

۲- موضوعی را انتخاب و با بهره‌گیری از روش‌هایی که گفته شد، پرسش‌هایی مناسب درباره آن، طرح کنید پس چند پرسش را از بین آنها انتخاب کنید و به آنها پاسخ دهید. (پاسخ‌سازی)

پاسخ موضوع:



پرسش‌ها

- ◀ آیا قطرات باران با دیگر قطرات آب فرق دارد؟
- ◀ آیا شهرهایی را می‌شناسید که از بارش باران سرسبزتر باشند؟
- ◀ آیا خشکی و پرابی رودخانه‌ها به ریزش باران بستگی دارد؟
- ◀ اگر باران نیارد چه آسیبی به ساکنان زمین می‌رسد؟
- ◀ اگر همه مردم چترها را می‌بستند و زیر باران می‌رفتند چه می‌شد؟
- ◀ آیا باران حسن و حال عاشقانه‌ای به شاعران می‌بخشد؟
- ◀ بارش باران همیشه طراوت‌بخش و زیباست؟
- ◀ چرا شاعر می‌گوید: آخرین برگ سفرنامه باران این است / که زمین چرکین است؟
- ◀ آیا باران ما را به خدا و حقیقت نزدیک می‌کند؟
- ◀ آیا باران یادآور خاطره‌ها و یادگارهاست؟
- ◀ چرا باران را رحمت و برکت الهی می‌دانند؟

پرسش انتخاب شده:

- ◀ آیا باران ما را به خدا و حقیقت نزدیک می‌کند؟
- ◀ آیا باران یادآور خاطره‌ها و یادگارهاست؟
- ◀ آیا باران حسن و حال عاشقانه‌ای به شاعران می‌بخشد؟
- ◀ اگر همه مردم چترها را می‌بستند و زیر باران می‌رفتند چه می‌شد؟
- ◀ چرا شاعر می‌گوید: آخرین برگ سفرنامه باران این است / که زمین چرکین است؟

هنر تولیدی



که پاسخ خود را کنار پنجره رساندم. ترم دنواز باران پایان نداشت. با سر انگشتان لطیف خود به پنجره اتاقم می‌زد دیگر خواب از چشمانم دور شده بود. دستام را برای لمس خشکی و تازگی‌اش دراز کردم. زلالی نوازش‌ها بر دستام ریخت. خیس باران رحمت و مهربانی خدا شدم. باران مرا تا جلد تا آسمان پاک و مهربانی‌ها برد. دلم بر از عشق و طراوت شد.

چشمانم را بستم و تمام کودکی را مرور کردم. معلم در کلاس با صدای خوش می‌خواند و ما با شوق تک می‌کردیم: «هاز باران با ترانه / با گهرهای فراوان / می‌خورد بر بام خانه»

خاطره‌ها و یادها رهایم نمی‌کردند. سرمست از بوی نم باران کنار مادرم نشستم و صورتم را زیر باران عشق زلالی پاک و نابش کردم و هم‌نوا با صدای مادر خواندم: «چترها را باید بست / زیر باران باید رفت / فکر را حتم را / زیر باران باید برد.»

دانه‌های بلورین باران بر گونه‌هایم می‌ریخت و گریهام با یاد پدر درمی‌آمیخت؛ به خاطر می‌آوردم که پسر باران برکت می‌نامید و همیشه دستانش را کاسه‌ای می‌کرد تا قطرات باران در آن جای گیرند. بعد با آن وضو می‌گرفت و می‌گفت: باران نامه عاشقانه خدا برای بندگانش است. باران زندگی‌بخش، حلقه ارتباط زمینی‌ها با آسمان است. باید با احترام و قداست به آن نگریست. باران نگاه خداست. نگاه پرلطف و مهر پروردگاری که به زمین می‌ورزد. باران نامه خداست. نامه‌ای برای بندگانش تا با هر قطره‌ای دل آنها را بنوازد و امیدوارشان کند تا باران باران دستان نیازمند خود را برآورند و با نهایت امیدواری دعا کنند و به انتظار اجابت خواسته‌هایشان، به نور

استغماي زندگي با او حرف بزنند، ناله‌هايشان رنگ صدای باران بگیرد و سناجات‌هايشان آسمانی شود و بوی نیت فضای دلها را بر کند.
 نام شب‌آبر و آسمان و باران دست به دست هم دادند تا من از حیات و طراوت ناب سرشار شوم و عاشقانه ست گرم خورشید را در طلوعی دوباره بفشارم و صبحی دیگر را آغاز کنم. باران چهره زمین را شسته بود و جوی آب که سرشار از حرکت و خروش شده بود، و ناپاکی‌ها را به دورترین جاها می‌برد، بی‌اختیار مرا به یاد این نام می‌انداخت که: «آخرین برگ سفرنامه باران این است» که زمین چرکین است»

مقاله نگارشی

حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.
 سگی بر لب جوی، استخوانی یافت. چندان که در دهان گرفت، عکس آن در آب بدید. پنداشت که دیگری است به شتره (طعم) دهان باز کرد تا آن را نیز از روی آب بگیرد. آنچه در دهان بود، به یاد داد.

پاسخ جوی آب درست از میان دهکده می‌گذشت. برگ‌ها و میوه‌های افتاده در آب، زیبایی جوی روان را چند براب کرده بود. گوسفندان و بزهای بازیگوش کنار آن ایستادند و آبی خوردند. چوپان هم برای استراحت کنار آب نشست و بساط چای را آماده کرد و تا آماده شدن چای، بی‌بر لب گذاشت و شروع به نواختن کرد. سگ جویی که هر از گاهی با واق واق خود، محدوده حرکت گله را تعیین می‌کرد، به طرف چوپان آمد. چوپان تگه استخوانی از خورجین درآورد و به او داد. سگ بلافاصله به سوی درخت رفت و آن را در چاله‌ای کنار جوی آب خضم کرد و دوباره به طرف گله آمد. سگ چوپان، بز بازیگوشی را که از گله جدا شده بود با اشاره چوپان به تگه برگرفتند و کنار جوی آرام گرفت. چوپان که در حال جمع کردن بساط چای و ناهار بود، خورجینش را بر پشت انواع استراحت و گله را راهی کرد. سگ هم با عجله، تگه استخوان را از چاله بیرون آورد و به دهان گرفت. تگه‌ها نگاهی به جوی آب افتاد سگی در آب دید که استخوانی در دهان داشت! واق واق بلند کرد تا آن استخوان را از او بگیرد. اما تا دهان باز کرد، استخوانش در آب افتاد و آب، آن را بردا. مرغی و می‌های چوپان، گوسفندان را دورتر و دورتر می‌کرد و سگ بر طمع ندان را خسته به دنبال خود می‌کشید این بار واق واق آرام و بی‌جان کرد و به راه افتاد.

عینک نوشتن

درس ۲

تابگاه نوشتن

انوشته‌های زیر را بخوانید و فضای حاکم بر آنها (عینی و ذهنی) را مشخص کنید و درباره پاسخ خود استدلال کنید.
پاسخ متن شماره یک، فضای ذهنی دارد زیرا نویسنده در نوشته خود از استدلال‌های عقلی و خلاقیت ذهن خود بهره گرفته است مثلاً توصیف رابطه فاصله و دیوار و یا برخی ویژگی‌های ناپسند اخلاقی (خودخواهی، طمع، تنبلی و...) که هر یک در حکم دیوارهایی هستند که گاه خراب‌شدنی هم نیستند و این که حتی حیوانات نیز نفس را دوست ندارند چرا که نفس، خود دیواری بین آزادی و اسارت است. این توصیف و تجزیه و تحلیل‌ها همه در فضای ذهن خلاق نویسنده، رشد و پرورش یافته است.

مثل های شماره دو و سه، فضای غریبی دارند؛ زیرا نویسنده با نکیه بر حواس خود، مخصوصاً حواس بینایی، دقت در جزئیات، به توصیف پرداخته است و عناصر خلاقیت، تخیل و آرایه های ادبی در آنها دیده نمی شود. متن چهارم، فضای ذهنی دارد؛ زیرا متن، آراسته به تخیل و خلاقیت ذهنی است و کاربرد آرایه های ادبی در آن دیده می شود مثلاً سخن گفتن با پنجره و امواج، آرایه «تشخیص» دارد.

۲- موضوعی را انتخاب کنید و با توجه به محتوای درس، درباره آن، مثنی بنویسید.
 که پاسخ، موضوع زیارت (فضای نوشته، ذهنی است)

نمونه اول: تمای جانم یکبار چه اشتیاق بود و انتظار، انگار این تن مادی نمی توانست شور و شادی عشقی را که معشوقش فراخوانده بود، تاب بیاورد، بی قرار بود و آشفته

آری، گاهی جسم دور می ماند و روح می تازد. از تمای لحظات باقی مانده عمرم، شوق و شمع می تراوید لبی که ماتم شعر محتشم آغشته بود و اشک لبشکی بی ایمان که کویر جانم را امید بهار می داد.

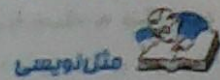
آری، راهی دیر عشق بودم آنجا که عشق سربریده و عربان، قامت افراشت و عاشقان راستین، نلای وصالش را به جان لبیک گفتند و از همان جا بود که عشق در تمامی تاریخ ریشه دوانید آن چنان که تا همیشه بار خواهد داد.

چه حس غریبی دارد مسافر حرم یار شدن، زلف اربعین شدن!

نمونه دوم: زیارت (فضای نوشته، عینی است)

راهی سفر بودم از این که زیارت کربلا در اربعین قسمتم شده، بی اندازه خوشحال بودم همیشه سفر را دوست داشتم. تدارک وسایل سفر، بستن چمدان، خداحافظی با دوستان و آشنایان، قدم گذاشتن در جاده های شستن و دور، دیدن آدم های جدید و آداب و رسومشان و همه و همه شوق و انگیزه مرا برای سفر برمی انگیزد. تا به بار فرق می کرد انگار به دیدن آشنایی می رفتم که از کودکی می شناختم؛ کسی که همیشه یاد و مراسم با من بود؛ مادرم با شینین نامش می گریست و به نشانه عزایش در هر محرم، همه سیاه پوش می شدیم به پیروی معلمی می رفتم که درس آزادگی را به بشریت آموخت. انگار به خدا نزدیک تر می شدم.

هजार نوشتار



مثل های زیر را بخوانید. سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

- از تو حرکت از خدا برکت: **که مفهوم** این مثل برای تشویق به کار و کوشش و پرهیز از تنلی به کار می رود.
- آب که یک جامد می گنجد: **که مفهوم** هر چیزی که حالت نوب و تازگی خود را از دست بدهد، بی ارزش می شود.
- کار نیکو کردن از پیر کردن است: **که مفهوم** وقتی کسی کاری را به دلیل تجربه بسیار، بدون درنگ و مهارت انجام می دهد، این ضرب المثل را به کار می برند.
- باد آورده را باد می برد: **که مفهوم** هر کس چیزی را آسان و بدون تلاش به دست آورد، آسان نیز از دست خواهد داد.
- تو نیکی می کنی و در دجله انداز: **که مفهوم** نیکی و هم نوع دوستی، به هر شکل و رنگی که باشد، راه را برای سوی صاحب خود می برد. (نتیجه نیکی آسان به دیگران، به خودش بازمی گردد).

کارش
پوشان
شخص
زعفر
چه
کار
چرا
آیا
زعفر
شان
که
کی
کی
ما
کا
رو
تو
ک
د
او
و

پاراگراف

پاراگراف مثل

پاسخ: پیشینه‌ها: دانش‌آموز عزیز، اگر بازاریابی یکی از مثل‌های بالا، برایتان دشوار است، حکایت زیر را از پستان سعدی گسترش دهید و بازاریابی نمایید. حکایت زیر مصداق مثل «تو نیکی می‌کن و در دجله نغازه است» یکی در بیابان سگی تشنه یافت کله، دلو کرد آن پسندیده گیش به خدمت میان بست و بازو گشاد خبر داد پیغمبر از حال مرد (که) مخفف کلاه، دلو سطل، چیل ریسمان، بند)

درس ۳

نوشته‌های عملی

کارگاه نوشتن

۱- متن و پرسش‌های زیر را بخوانید؛ آنگاه از بین پرسش‌ها، آنهایی را که با محتوای نوشته ارتباط دارند، مشخص نمایید. سپس آنها را متناسب با متن، گزینش و سازماندهی کنید.

کے پاسخ گزینش و سازماندهی پرسش‌ها

- ۱) زعفران چیست؟
 - ۲) چه رنگی است؟ چه طعمی دارد؟
 - ۳) کاربرد آن چیست؟
 - ۴) چرا زعفران با طلا برابری می‌کند؟
 - ۵) آیا کشت زعفران کارکرد اقتصادی دارد؟
 - ۶) زعفران چه خاصیت‌هایی دارد؟
- ۷- متن زیر را بخوانید و متناسب با آن، پرسش‌هایی طرح کنید. سپس با سازماندهی سؤال‌ها، نقشه نوشته را نشان دهید.

کے پاسخ پرسش‌ها

- ۱) کیک زرد چیست؟
- ۲) کیک زرد در جهان به چه نامی شناخته می‌شود؟
- ۳) ماده اصلی آن چیست؟
- ۴) کاربرد آن چیست؟
- ۵) روش تهیه آن چگونه است؟
- ۶) توانایی ساخت آن چه اهمیتی دارد؟
- ۷) کدام کشورها دارای این فن‌آوری هستند؟
- ۸) دلیل نام‌گذاری آن چیست؟
- ۹) ایران چگونه به این فن‌آوری دست یافته است؟
- ۱۰) بودر سنگ اورانیوم را با استفاده از چه ماده‌ای خشک و صاف می‌کنند؟

موضوعی پرسش‌ها

- ۱. کبک زرد چیست؟
- ۲. طغیان اصلی آن چیست؟
- ۳. توانایی ساخت آن چه اهمیتی دارد؟
- ۴. روش تهیه آن چگونه است؟
- ۵. دلیل نام گذاری آن چیست؟
- ۶. کدام کشورها دارای این فن آوری هستند؟

۴- موضوعی را انتخاب کنید و با شیوه پرسش و پاسخ (پاسخ‌سازی)، یک متن عینی بنویسید.

موضوعی کوشش‌های فضایی

برحسب شرح پرسش‌های گوناگون

- ۱. کوشش‌های فضایی از چه زمانی آغاز گشت؟
- ۲. نخستین کسی که به فضا پرواز کرد، که بود؟
- ۳. قبل از نخستین پرواز، تصویر خیالی انسان از فضا چگونه بود؟
- ۴. ایستگاه فضایی چیست؟
- ۵. تاریخچه ایجاد ایستگاه فضایی بین‌المللی چیست؟
- ۶. در آینده توسعه ایستگاه‌های فضایی چگونه خواهد بود؟
- ۷. انرژی ایستگاه‌های فضایی چگونه تأمین می‌شود؟
- ۸. کدام کشورها موفق به ساخت این دستگاه‌ها گشته‌اند؟
- ۹. هزینه‌های آن چگونه تأمین می‌شود؟
- ۱۰. آیا انسان در آینده خواهد توانست با موجودات فضایی ارتباط برقرار نماید؟

مرحله سوم: سنجش و جدا کردن پرسش‌های عینی

- ۱. کوشش‌های فضایی از چه زمانی آغاز گشت؟
- ۲. نخستین کسی که به فضا پرواز کرد، که بود؟
- ۳. ایستگاه فضایی چیست؟
- ۴. تاریخچه ایجاد ایستگاه فضایی بین‌المللی چیست؟
- ۵. انرژی ایستگاه‌های فضایی چگونه تأمین می‌شود؟
- ۶. کدام کشورها موفق به ساخت این ایستگاه‌ها گشته‌اند؟
- ۷. هزینه‌های آن چگونه تأمین می‌شود؟

مرحله سوم: سنجش و سزایاندهی پرسش‌ها

- ۱. کوشش‌های فضایی از چه زمانی آغاز گشت؟
- ۲. نخستین کسی که به فضا پرواز کرد، که بود؟

۸/۲
۱۰/۲

- ۱۲) ایستگاه فضایی چیست؟
- ۱۳) کدام کشورها موفق به ساخت این ایستگاهها گشتهاند؟
- ۱۴) تاریخچه ایجاد ایستگاه فضایی بین‌المللی چیست؟
- ۱۵) انرژی ایستگاه‌های فضایی چگونه تأمین می‌شود؟

موضوع: کاوش‌های فضایی

عصر فضا از سال ۱۹۵۷ میلادی و با پرتاب نخستین ماهواره کشور اتحاد جماهیر شوروی سابق به نام «سپوتنیک» آغاز شد. در سال ۱۹۶۱ میلادی، «یوری گاگارین» نخستین کسی بود که به فضا پرواز کرد. ایستگاه فضایی گران‌ترین و بلندپروازانه‌ترین برنامه فضایی است که تاکنون به اجرا درآمده است. ایستگاه فضایی «محل زندگی و کار دانشمندی است که می‌خواهند مدتی طولانی در فضا بمانند. آمریکا، روسیه، ژاپن، کانادا و پرتغال کشور اروپایی، این ایستگاه چهارتنی را در مدار زمین ساخته‌اند.

ایستگاه فضایی بین‌المللی نیز، یک ماهواره بزرگ قابل سکونت است که بیش از پانزده کشور در ساختن آن سهیمند. نخستین بخش آن در سال ۱۹۹۸ میلادی راه‌اندازی شد که به عنوان آزمایشگاه رصدخانه و محل کار عمل می‌کند.

هفت صفحه خورشیدی بیش از ۱۰۰ کیلو وات انرژی الکتریکی برای این ایستگاه تأمین می‌کنند.

انتخاب نوشتار

شعرگردانی

نعر زیر را بخوانید. درک و دریافت خود را از آن، در جای مشخص شده، بنویسید.

- ایستاده‌ام.
- ایستاده‌ای.
- ایستاده‌ایم.
- جنگلیم.
- زن به صندلی شدن نداده‌ایم.

تاریخ‌دانی و بازپروری

بازپروری جنگل، تا زمانی جنگل نام دارد که تک‌تک درختان آن در کنار هم، یک پارچه ایستاده باشند. جنگل بدون درخت دیگر جنگل نیست. زمینی است بی‌اهمیت یا شاید کویر و یا هر نام دیگر به راستی. جنگل مصداق طبیعی برای اتحاد و وحدت است. اگر درختان از هم جدا باشند، تک‌درخت‌هایی خواهند بود تنها و غمگین و شاید نست‌آس.

نوشته‌های گزارش گونه

درس ۴



گزارش نوشتن

۱- گزارش زیر را بخوانید و متناسب با آن، پرسش‌هایی بنویسید، سپس سؤال‌ها را سازماندهی کنید.

پاسخ پرسش‌ها

- ۱) نام موزه چیست؟
- ۲) آثار موجود، متعلق به کدام دوره‌ها است؟
- ۳) بازدید از موزه چه فایده‌ای دارد؟
- ۴) چه تابلوها و تندیس‌هایی در موزه جلب نظر می‌کند؟
- ۵) مساحت موزه چه قدر است؟
- ۶) بنای موزه چند طبقه است؟
- ۷) چه تعداد تالار و غرفه در موزه موجود است؟
- ۸) موقعیت جغرافیایی موزه چگونه است؟

سازماندهی پرسش‌ها

- ۱) نام موزه چیست؟
- ۲) موقعیت جغرافیایی موزه چگونه است؟
- ۳) آثار موجود در موزه متعلق به کدام دوره‌هاست؟
- ۴) بنای موزه چند طبقه است؟
- ۵) مساحت موزه چه قدر است؟
- ۶) چه تعداد تالار و غرفه در موزه موجود است؟
- ۷) چه تابلوها و تندیس‌هایی در موزه جلب نظر می‌کند؟
- ۸) بازدید از موزه چه فایده‌ای دارد؟

۲- یکی از موضوع‌های زیر را انتخاب کنید و با بهره‌گیری از شیوه پرسش و پاسخ‌سازی، گزارشی بنویسید.
پاسخ (نمونه نخست)

- کتابخانه مدرسه

مرحله اول پرسش‌های عمیق

- ۱) وسعت کتابخانه چه قدر است؟
- ۲) چه تعداد کتاب در کتابخانه موجود است؟
- ۳) کتابخانه در کجا قرار دارد؟ (موقعیت مکانی)
- ۴) آیا کتابخانه به رایانه و اینترنت مجهز است؟
- ۵) تعداد قفسه‌های کتابخانه چه قدر است؟
- ۶) نحوه اداره کتابخانه چگونه است؟

- ۱۰ فضای کتابخانه چه ویژگی‌هایی دارد؟ (از نظر نور، تعداد میز و صندلی‌ها، تابلوهای روی دیوار و...)
- ۱۱ نحوه دستیابی به کتاب مورد نظر در کتابخانه چگونه است؟
- ۱۲ نحوه جیش قفسه‌ها در کتابخانه چگونه است؟
- ۱۳ تعداد مراجعه‌کنندگان چه قدر است؟
- ۱۴ مرجع دوم گزینش و سازماندهی پرسش‌ها
- ۱۵ کتابخانه در کجا قرار دارد؟ (موقعیت مکانی)
- ۱۶ وسعت کتابخانه چه قدر است؟
- ۱۷ تعداد قفسه‌های کتابخانه چه قدر است؟
- ۱۸ نحوه جیش قفسه‌ها چگونه است؟
- ۱۹ چه تعداد کتاب در کتابخانه موجود است؟
- ۲۰ فضای کتابخانه چه ویژگی‌هایی دارد؟ (از نظر نور، تعداد میز و صندلی‌ها، تابلوهای روی دیوار و...)
- ۲۱ آیا کتابخانه به رایانه و اینترنت مجهز است؟
- ۲۲ نحوه دستیابی به کتاب مورد نظر در کتابخانه چگونه است؟
- ۲۳ تعداد مراجعه‌کنندگان چه قدر است؟
- ۲۴ نحوه اداره کتابخانه چگونه است؟

نوع دوم

-اردوی دانش آموزی

مرحله اول پرسش‌های عینی

- ۱ زمان حرکت چه موقع بود؟
- ۲ از چه وسیله نقلیه‌ای برای اردو استفاده شد؟
- ۳ چه تعداد از دانش‌آموزان در اردو شرکت داشتند؟
- ۴ مقصد اردو کجا بود؟
- ۵ مسیر حرکت چگونه بود؟
- ۶ چه مدت زمانی طول کشید تا به مقصد برسیم؟
- ۷ چه اتفاقاتی در طول مسیر حرکت افتاد؟
- ۸ هدف از اردو چه بود؟
- ۹ مکان اردو چگونه بود؟ (از نظر وسعت، بنا، ویژگی‌های فضای آن و...)
- ۱۰ چه چیزهایی دیدیم؟
- ۱۱ زمان بازگشت چه موقع بود؟
- ۱۲ چگونه بازگشتیم؟
- ۱۳ تأثیر و فایده اردو چه بود؟

مرحله دوم: گزینش و سازماندهی پرسش‌ها

۱۱. مقصد اردو کجا بود؟
 ۱۲. زمان حرکت چه موقع بود؟
 ۱۳. هدف از اردو چه بود؟
 ۱۴. چه تعداد از دانش‌آموزان در اردو شرکت داشتند؟
 ۱۵. از چه وسیله نقلیه‌ای استفاده شد؟
 ۱۶. مسیر حرکت چگونه بود؟
 ۱۷. چه اتفاقاتی در طول مسیر حرکت افتاد؟
 ۱۸. چه مدت زمانی طول کشید تا به مقصد برسیم؟
 ۱۹. مکان اردو چگونه بود؟ (از نظر وسعت، بنا، ویژگی‌های فضای آن و ...)
 ۲۰. چه چیزهایی در آنجا دیدیم؟
 ۲۱. زمان بازگشت چه موقع بود؟
 ۲۲. تأثیر و فایده این اردو چه بود؟
- اکنون یا پاسخ دادن به پرسش‌ها، متن گزارش را بنویسید.

هفتاد و هفتم نوشتار ۴

حکایت‌نگاری

حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.

یکی را از حکما شنیدم که می‌گفت: هرگز کسی به جهل خویش اقرار نکرده است؛ مگر آن کسی که چون دیگری در سخن باشد، همچنان ناتمام گفته، سخن آغاز کند.

سخن را سر است ای خردمند و بن
میاور سخن در میان سخن
خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش
نگوید سخن تا نبیند خموش

که پاسخ در مجلسی حاضر بودم که افراد فرهیخته و دانشمندی در آن دعوت بودند. قرار بر این بود که بزرگتر مجلس، حاضرین را به بند و سخن شیرینی مهمان کنند. یکی از عالمان، سخن ارزشمندی گفت که (بازنویسی را ادامه دهید).

نوشتۀ ذهنی (۱) دانشمندان سازی

تاریخچه نوشتن



- ۱- نوشته‌های زیر را بخوانید و مشخص کنید کدام یک از آنها نوشته ذهنی و کدام یک نوشته جسمی است. سپس معین کنید کدام متن با روش «جانمندان سازی» نوشته شده است؟
 که پاسخ: متن برگه ذهنی، جانمندان سازی
- ۲- موضوعی انتخاب کنید و با به کارگیری روش جانمندان سازی، یک متن ذهنی بنویسید.
 که پاسخ: موضوع: گل

نور لطیف و زیبای خورشید بامدادی که صورتش را بوازش کرد، آرام آرام چشمان کوچک خود را میبوید. سوسا نیمی و مهربانی از گونه‌های سرخ و برآمده‌اش پایین آمد و بر گلبرگ‌هایش نشست. چشمت کوچک زلال با سنگریزه‌های خودنمایی می‌کرد. سوسه با تمام وجود بوته گل را در آغوش گرفت تا سیم خشک باور حق که به ده خود، تن نازک گل را آزرده نکند. خارهای تیز هم مراقبش بودند تا دستنی برای چشمت نباید باشد که به طرفش آمد آرام گلبرگ‌هایش را در دست گرفت و با مهربانی، آبی پای ساقه‌های گل ریخت و از آن جا می‌ریخت. گل کم کم به خودش آمد و نگاهی به اطراف کرد. گل‌های دیگر شکفتن و تپشش را تریک گفتند و با تکی دادن برگ‌ها و ساقه‌هایشان خنده‌های بر لبان گل نشاندهند همه دنیا برایش تازگی داشت تگهی به آسایش می‌کرد و لیخند خورشید را در تابش نرم او احساس کرد. درختان کلری‌اش با همه تومندی و استواری گویی مراقبش بودند تا ورزش باد ساقه‌های تزد و نازکش را نلرزاند. هنوز لذت دیدن و شکفتن در دلش نشست بود که دخترکی شانان به طرفش آمد و خارها را کنار زد و او را با ذوق فراوان از شاخه جید و به طرفش تپید و در گلندی که روی میز قرار داشت، گذاشت.

نیای بزرگ گل تازه شکفته کوچک شده بود: اتفاق کوچکی که از پشت پنجره تیممیز آن می‌توانست به سختی بیرون را ببیند آبی کشید و گنشته زیبای خود را به یاد آورد. زمان خوشی‌اش خیلی کوتاه بود: به جای خشکی سیم با کولر به صورتش می‌خورد و آب گلخان حالش را تپ می‌کردا انگار تمام حس بودنش از دوری آن قضی سبز تپه می‌کرد.

منجار نوشتار



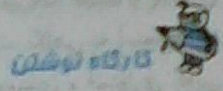
مثل نویسی

- مثل‌های زیر را بخوانید، سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.
- * هر که در پی کلاغ زود، در خرابه منزل کند. **مفهوم:** همسپنی با افراد بد، نتیجه خوبی ندارد.
 - * دل که پاک است، زبان بی‌پاک است. **مفهوم:** انسان پاک و درستکار، از کسی نمی‌ترسد.
 - * خفته را خفته، کی گنند بیدار؟ **مفهوم:** شخص غافل و نادان، نمی‌تواند راه‌ها و انگوی خوبی باشد.
 - * زبان سرخ، سر سبز می‌دهد بر باد. **مفهوم:** سخن نسنجیده، باعث دردسر و مشکل می‌شود.
 - * درخت هر چه بارش بیشتر می‌شود، سرش فروتر می‌آید. **مفهوم:** هر چه درک و فهم گسل بیشتر شود، همان اندازه متواضع‌تر می‌گردد.

پاراشوتیست

پاراشوتیست: حیاط مدرسه از سر و صدای دانش آموزان پر شده بود و صدای ضعیف بلندگو شنیده نمی شد. زحمت خودش را به دفتر ناظم رساند. کوله پشتی را جابه جا کرد و روی دستش انداخت و رو به ناظم گفت: سلام! منترم کسالت دارند و فرار شد به شما رنگ بزنند و بخواهند کارنامه را به خودم بدهید. ناظم سری داد و او را به دفتردار نشان داد و گفت: کارنامه اش را به خودش بدهید. با خانواده اش هماهنگ می کنم. کارنامه را که گرفت با تشکر از خانم دفتردار به طرف کلاس آمد. معلم ادبیات را در راهرو دید و سلامی کرد. معلم نگاهی به کارنامه اش کرد و گفت: «افرین! خیلی عالی» زهرا با متانت همیشگی و خاص خودش گفت: «این که پشتیبانم بودید ممنون» معلم گفت: «تلاش خودت بود» و زهرا نگاه عمیقی به او کرد و گفت: «در آن کتاب های خوب را به من معرفی نمی کردید هرگز به این درجه از درک و فهم مطالب نمی رسیدم. دستی به شانه زهرا زد و گفت: «درخت هر چه بارش بیشتر می شود، سرش فروتر می آید». سپس لیفتان را هر دو وارد کلاس شدند.

درس ۶ نوشته ذهنی (۲) سنجش و مقایسه



۱- نوشته های زیر را بخوانید و مشخص کنید برای نوشتن آنها نویسنده چه چیزهایی را با هم مقایسه کرده است.
 جنگ و صلح - دشمنی و دوستی - صدای آژیر آتش نشانی و صدای اذان - دیو و رستم - گرگ و بزه - میسری زیبای سی و وای وای چوپان - جنگ و سیل - جنگ و زلزله.
 در متن دوم، نحوه دیدن مرغ ها، موش ها، گوسفندان و گرگ ها با نحوه دیدن و نگرش انسان مقایسه شده است.
 ۲- موضوعی را انتخاب کنید و با استفاده از روش «سنجش و مقایسه»، یک متن ذهنی بنویسید.
 پاسخ: (دانش آموز عزیز، اگر هنوز شروع نوشتن، برایتان مشکل است، می توانید یکی از دو متن زیر را انتخاب دهید. هر دو نوشته از نمونه های پیشنهادی متن درس است.)
 نمونه اول: موضوع: مقایسه رفتگر با آفتاب
 متن نوشته: رفتگرها با آفتاب نسبت نزدیکی دارند. آنها همیشه سحرخیزند و شاید اولین کسانی باشند که آفتاب سلام می کنند. آفتاب پرتوهای طلایی رنگش را از هیچ کس و هیچ جا دریغ نمی کند حتی از کسانی که آفتاب را دوست ندارند. رفتگرها هم مثل آفتاب مهربانند؛ آنها...
 نمونه دوم: موضوع: مقایسه میز با درخت
 متن نوشته: شاید در نگاه اول، میز و درخت هیچ ربطی به هم نداشته باشند اما خوب که دقت کنیم می بینیم آنها با هم خوبشوند هستند. در واقع درختها، اجداد میزها هستند. هر میزی در خاطره خود، درختی را در دل دارد که...

هنرمند نوشتار ۷

شعرآوردنی

شعر زیر را بخوانید، درک و دریافت خود را بنویسید
مگر دیده باشی که در باغ و راغ
یکی گفتش، ای کرمک شب‌پرواز
ببین کاشکی کرمک خاکسراد
که من روز و شب جز به شعرانیم

بنامه به شب کرمکی منون چراغ
چه بود که بیرون نیامی به روز
جواب از سم روشناسی چه داد
ولی پیش خورشید پستانیم

بهر پاسخ بازگردانی و بازپروزی

حتماً در باغ و بوستان کرم شب‌تاب کوچکی را دیده‌ای که مثل چراغ می‌درخشد کسی به او گفت ای کرم کوچک شب‌تاب، چرا هنگام روز، بیرون نیامی؟ بین آن کرم سبز رنگ کوچک و منافع از روی آفتاب و پخش چه پاسخی داد: من تمام روز و شب در صحرا هستم تا در وقت روشنایی خورشید دیده نمی‌شوم بازپروزی (دانش‌آموز عزیز، حال همین حکایت را گسترش بدهید) در روزگار قدیم، کرم شب‌تاب کوچکی...

درس ۷

نوشته ذهنی (۳) تاملی با تامل ملاحظه

تارگه نوشتن

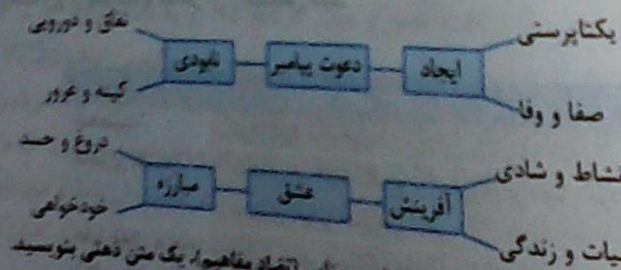
۱- نوشته زیر را بخوانید و به روابط بین مفاهیم آن فکر کنید و نموداری برای آن رسم کنید
که پاسخ استخراج مفاهیم و رسم نمودار:

شبه درخشش ستاره‌ها

صفا و دوستی، محبت و برادری، عشق و دوستی - کینه حد غرور

تعلق، کینه، جنایت و آدم‌کشی - یکتاپرستی، حقیقت‌جویی

گل شادی - خار غم



۲- موضوعی را انتخاب کنید و با استفاده از روش تاملی معنایی اقتضای مفاهیم، یک متن ذهنی بنویسید
که پاسخ موضوع: عشق (مهرورزی)

عشق، لحظه‌رهایی از قفس خودخواهی است سکوتی سرشار از ناگفته‌های عشق است شادی عمیق‌تری خواستنی است. عشق در فراق می‌میراند تا جاودانگی بخشد بهاری است که با برگ‌های زرد فراق، زیبا شده است، هر آه عاشق، لیخند دلشین یار را در پی دارد رفتن از خویش و ماندن با معشوق...

تکلیف نگارنده

حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.
چون یونس علیه السلام از شکم ماهی نجات یافت، متفکر بود و کمتر سخن می گفت. یکی از یونس سبب خاموشی پرسید.
گفت: سخن مرا در حبس شکم ماهی انداخت تا وجودم در آتش وحشت شمع وار بگذشت خاموشی با سلامت، به از گفتن با سلامت.

باز نویسی
که پاسخ

حضرت یونس به سوی قوم خود رفت، آرام و متین قدم برداشت، در حالی که لیکندی یومعی در پشت سر بسته بود و باران و همراهانش پله پای او می آمدند. در بین راه چند نفر ادای احترام کردند یونس خود را از مردم جای داد و شروع به صحبت کرد. کلمات الهی در گوش جان ها می نشست و آنها را دلگرم می کرد. مهربان فرستاده خدا همه را نوازش می کرد که ناگهان پیرمرد منکر فریاد زد: «تو چرا دست از سر ما برمی داری رهایمان کن. این وعده ها را کنار بگذار، دنیا محل خوش گذرانی هاست.» همیشه با پیرمرد چند تفری می نمود خود را نشان دادند و سروصدا راه انداختند. حضرت یونس ناراحت از این انکار و اذیت مردم را ترک کرد و به دریا رفت داستان خود را به طرف آسمان برد و از این نااهلان به خدا شکایت برد. لحن تند او در این غم شکایت، دل مردم را لرزاند. به امر خدا، ماهی، او را بلعید و در شکم ماهی سکوت و تنهایی عمیقی را تجربه کرد مردم در نبودن او توبه ها کردند و از عذاب الهی رستند و یونس در بی خبری بار غم را به دوش دل مرگ همان جا با زبان دل از خدا طلب بخشایش کرد. سپس در چشم به هم زدن خود را کنار ساحل دید. استقبالش آمدند و عذرها خواستند او فقط سری به نشانه سپاس تکان داد و از کنارشان گشت فرستاد سرزتش و ملامت موج می زد. کاش کمی صورت تر می بود.

نوشته های داستان گونه

درس ۸



کارگاه نوشتن

۱- نوشته زیر را بخوانید و عناصر آن را مشخص کنید.

که پاسخ

| بزرسی متن | شخصیت |
|---|------------------------------|
| مرد، کوزه ترک خورده | ماجرای داستان |
| ماجرای دو کوزه سالم و ترک خورده بر دوش مردی که در مسیری آنها را حمل می کند. | فضا (حال و هوا، مکان و زمان) |
| سکان مسیر همیشگی رفت و برگشت مرد دو سال | روایت |
| حال و هوا تبدیل فضای غم انگیز به شاد | شیوه بیان |
| احساسی و عاطفی | زاویه دید |
| از دید سوم شخص | |

۲- نوشته‌های داستان گونه بنویسید؛ پیش از نوشتن، عناصر آن را مشخص کنید.

پاسخ: شخصیت: زن

فضا: صحن و حرم امام رضا (ع)

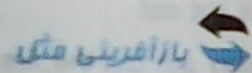
ماجرای داستان: دعا برای فرزنددار شدن

روایت شده بین احساسی و عاطفی زاویه دید سوم شخص
گفت: با امام رتوفا مهربانی کن. به من پسری بده تا غلامت باشد و من دست خالی به شهرم برنگردم.
دست‌هایش را به صورت کشید و چادرش را جمع کرد و به طرف صحن آمد. سراغ سقاخانه حضرت را از خادم
حرم پرسید و راهی شد. سقاخانه شلوغ بود. لیوانی را برداشت و کمی آب پر کرد و دوباره به محوطه صحن رفت.
آب را مقابل گنبد نوشید و در حالی که اشک در چشمانش جمع شده بود، زیر لب دعا می‌کرد. احساس
خوشایندی داشت...



مثل‌های زیر را بخوانید، سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

- با ماه‌نشینی، ماه شوی، با دیگ‌نشینی، سیاه شوی. **مفهوم:** دفت در انتخاب هم‌نشین و دوست.
- نهی پای رفتن، به از کفش تنگ. **مفهوم:** دوری از هم‌نشین بد.
- جایی که نمک خوردی، نمکدان مشکن. **مفهوم:** قدرشناس بودن.
- فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه. **مفهوم:** ظاهرین نبودن.
- شاهنامه، آخرش خونه. **مفهوم:** توجه به پایان و نتیجه کاری.



پاسخ: معلم با متانت خاصی وارد کلاس شد. دفتر حضور و غیاب را با لبخندی باز کرد و خودکار را در دستش جای‌جا کرد و اسامی را خواند. به هر اسمی می‌رسید، نکته‌ای چاشنی آن می‌کرد. گاهی معنی نامی را می‌پرسید و گاهی معنای نامی را می‌گفت. حضور و غیاب که تمام شده، رو به دانش‌آموزان کرد و گفت: «خوشحالم که در سال جدید، این چهره‌های صمیمی را می‌بینم. من از خط و نشان کشیدن خوشم نمی‌آید. ولی حضورتان در کلاس و مخصوصاً امتحانات قابل توجه و مهم است و در نمره مستمر تأثیر دارد.» بعد هم شروع به معرفی کار خود کرد. تدریس خوب و مقبولی داشت. پس از پایان کلاس در حیاط مدرسه دوستم را دیدم و از معلم زنگ پیش تعریف کردم. خندید و گفت: «تازه اول سال است. درس دادنش بسیار عالی است و هیچ تمرین و پرسشی را بی‌پاسخ نمی‌گذارد، امتحان‌های دقیق و سختی می‌گیرد و به غیبت‌ها توجه خاصی دارد. خیلی دلت را خوش نکن و شیفته ملایمت ظاهری‌اش نشو. شاهنامه آخرش خوش است.»